

چهره واقعی رئیس خانه کارگر

"خانه کارگر"

یا، زورخانه

شعبان بی مخ است

یورش و دستگیری فعالان سندیکای مستقل رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و اعتصابی که متعاقب آن در تهران آغاز شد، ادامه جان سختی است که خانه کارگر و شوراهای اسلامی در برابر شکل گیری سندیکاهای کارگری در ایران می کنند. دو حمله به جلسه مجمع عمومی این سندیکا که در ساختمان وابسته به خبازان تهران صورت گرفت، تاراج اسناد، کتک زدن کارگران اجتماع کننده در محل و در ادامه آن توطئه قتل فعالان سندیکائی شرکت واحد و بریدن گردن منصور اسانلو... که همگی آنها را هدایت خانه کارگر- محبوب- و دبیرشوراهای اسلامی "صادقی" صورت گرفت پیش زمینه های اعتصاب رانندگان شرکت واحد بود. یورش های قبل از اعتصاب پیش از انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفت و از جمله نتایج و واکنش های کارگران به این یورش ها برهم خوردن جلسه ای بود که خانه کارگر در 11 اردیبهشت ترتیب داده و هاشمی رفسنجانی را برای سخنرانی در آن دعوت کرده بود. آن جلسه نتایج معکوس برای خانه کارگر و هاشمی رفسنجانی داشت. تمام این جان سختی ها برای آنست که کارگران ایران متشکل نشوند و سندیکاهای واحد و مستقل خود را برپا نکنند. خانه کارگر می خواهد نقش سندیکای زرد و دولتی خود را حفظ کند و شوارهای اسلامی را همان سندیکاها معرفی کند. این ترفندی است که در ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی زده شد و در آن سالها با توجه به سمت گیری دولت وقت در زمینه حمایت از کارگران پذیرفته شد. این پذیرش اکنون سالهاست که پس گرفته شده و حاکمیت جمهوری اسلامی نیز باندازه کافی چهره ضد کارگری و ضد تولیدی به خود گرفته است که کارگران بدانند با چه حاکمیتی روبرو هستند. مقاومت های پراکنده نیز راه به جایی نبرده، حتی اعتصاب ها، تحصن ها و جاده بندی های کارگران پراکنده و غیر متشکل نتوانسته توازی را در حاکمیت به سود جنبش کارگری تغییر دهد. جنبش احیای سندیکاهای کارگری از دل این شناخت و حوادث و تجربه ها بیرون آمده است. امثال محبوب می خواهند هنوز متکی به قانونی که سال 58 تصویب شد سخن بگویند، درحالیکه ماهیت حکومت و دولت بکلی ماهیتی دیگر شده است و آن قوانین و تصمیمات دیگر در عمل اعتباری نمی تواند داشته باشد. به همین دلیل است که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به واحدهائی در برابر کارگران و متحد وزارت کار و سرمایه داران تبدیل شده اند.

با این مقدمه کوتاه، بخش هائی از مصاحبه علیرضا محبوب را در زیر می آوریم که ماهنامه "تولید" آن را منتشر کرده است. این مصاحبه پیش از اعتصاب رانندگان شرکت واحد و دستگیری های اخیر انجام شده است، اما کینه و نفرتی که در سخنان محبوب آشکار بیان می شود، نشان دهنده همان عزمی است که امروز قاضی مرتضوی با فرمان دستگیری فعالان سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد در پی دفاع از آنست!

محبوب درباره یورش به ساختمان کارگران خباز و بریدن گردن منصور اسانلو می گوید و با دروغ و دغل سعی می کند خانه کارگر را که به زورخانه شعبان جعفری تبدیل شده معبد و پرستشگاه کارگران معرفی کند، اما وقتی این سخنان را با حوادثی که در هفته های اخیر روی داد و زندانی شدن دبیر سندیکای شرکت واحد درکنار هم قرار دهیم مشخص می شود که محبوب همان را می گوید که امروز مرتضوی می گوید و به آن عمل می کند. محبوب

و امثال صادقی به آسانی می توانند بازجوی فعالان سندیکائی در زندان اوین شوند و یا هستند!

این مصاحبه که ما فراهای جدی آن را در زیر می آوریم، مهرباطلی است که برای چندصدمین بار بر پیشانی خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار می نشیند. بخوانید:

خبرنگار: مقاله نامه های 98 و 87 ilo را قبول دارید؟

محبوب: مقاله نامه ilo متن قانون خودمان است ماده 131 قانون کار انجمن های صنفی را تعریف می کند مگر ما مخالف این موضوع هستیم؟ ما 150 تا انجمن صنفی داریم.

اصل 26 قانون اساسی را بخوانید، در مجلس خبرگان بحث شد که اصطلاح سندیکا فرانسه است و فارسی آن را بنویسید - انجمن صنفی یعنی همان سندیکا - .

خبرنگار: سندیکایی ها می گویند ما شش هزار امضا در حمایت از راه اندازی سندیکا جمع کرده ایم، چه پاسخ دارید؟

محبوب: اینها اگر 17 هزار امضا هم جمع بکنند تا زمانی که شورا امتیاز دارد (طبق انتخابات برگزار شده پیشین) کاری از پیش نمی رود. مجمع کارگران یا به مجمع عمومی انتخابات شورا در آینده می آیند، یا نمی آیند، نیامدند، انجمن صنفی تشکیل می شود.

انتخابات مجمع شورا به این صورت است که دو سوم کارگران باید در مجمع حضور یابند و دو سوم نصف به اضافه یک کارگران باید حضور یابند که اگر کارگران حضور نیابند خود به خود شورا منحل می شود.

تازه اگر این مدعیان سندیکا نسبت به جمع آوری امضا اقدام کرده اند می شود یک سوم کل کارگران شرکت واحد اما حجم شورای اسلامی کار شرکت واحد همیشه با دو سوم کارگران برپا بوده است.

خبرنگار: گویا 200 برگ از امضاها در آن درگیری از بین رفت که با توجه به تجمع روز جمعه که 2500 نفر تجمع کرده بودند به جمع آوری امضا اقدام کردند؟

محبوب: ما آنجا یک نفر را فرستادیم بین 100 تا 150 نفر بیشتر جمع نشده بودند؟ عکس داریم، ما عکسها را بفرستیم برایتان؟

خبرنگار: نفس خشونت را شما تایید می کنید یا خیر؟

- اینجا خشونت واقع نشده بلکه خود زنی انجام شده. اینها هر روز فتنه جدیدی می چیدند. چند هزار اعلامیه تکثیر کرده بودند که توزیع کنند در شرکت واحد، فتنه روزمره بوده با پول دولت اعلامیه ها تکثیر می شد. شوراهای اسلامی کار غیر از این عمل چه کاری می توانستند انجام بدهند؟

خبرنگار: سند ساختمان به نام کارگر خباز ثبت شده است....

محبوب: به اینها چه ربطی دارد دبیر صنف خباز مهندس نصیری است که رفته ساختمان تحویل بگیرد، اینها چه کاره هستند؟ صنف خباز کانونش دبیر دارد، دبیرش هم نصیری است.

آیا این ها از او اجازه گرفته اند؟

خبرنگار: مگر انجمن صنفی خبازان هیات مدیره ندارد؟

محبوب: خیر. انتخابات انجام نشده است.

خبرنگار: پس مهندس نصیری چگونه دبیر است؟

محبوب: کانون خباز دبیرش آقای نصیری است که یکی از انجمن های صنفی زیر مجموعه اش آن انجمن صنفی خبازان تهران است. می گویند خشونت، مگر اینها جایی به قانون عمل کرده اند؟

خبرنگار: با تشکیلات و رسانه می شود افکار عمومی را تحت تاثیر قرار داد آیا فقط راه این بود(حمله به محل اجتماع کارگران برای انتخابات هیات مدیره سندیکا) که نتیجه اش را می

بینیم؟

محبوب: سه بار مصاحبه صورت گرفته، اگر برای شما چنین مشکلی به وجود می آوردند و کسی هم گوشش بدهکار نبود، چه کار می کردید؟

از دادستان انقلاب بالاتر سراغ دارید؟ فکر می کنید جوابش به ما چه بوده؟ آقای نصیری رفتند شکایت، دادستانی انقلاب گفتند: با هم تعامل کنید، شیوه ما فعلا تعامل است. صاحب ساختمان گفت: این شاهی، رستاخیزی و توده ای است تو هم دادستان انقلاب هستی مسئول پیگیری این موضوع، خب می گویند اکنون انتخابات است و مصلحت برخورد کردن نیست، تحمل کنید.

این اتفاقات اینجوری نمی افتد که یک عده خل و دیوانه جمع بشوند. بروند جایی! بدانید تا ته ته ته... به فرض هم زده اند چه کسی را زده اند؟ آن نفر را نشان دهند؟ خبرنگار: بدنش (اسانلو) را من دیدم تمام کبود است؟

محبوب: این را قبول دارید نشان همه دهیم؟ نیروی انتظامی و حراست شرکت واحد فیلم دارند، عرضم این است اگر کسی وی را زده قبول است حرف شما درست است. خبرنگار: او هم (اسانلو) همین را می گوید که نیروهای امنیتی فیلم برداری کردند و خواستار ارایه آن هستیم تا واقعیت ها مشخص شود.

محبوب: او حق ندارد این حرف را بزند او آنجا چه کاره بوده؟ مالک بوده آنجا در ساختمان مردم چه کار می کرد؟

خبرنگار: می گویند خبازان تهران این امکان را (برای انتخابات هیات مدیره سندیکای شرکت واحد) در اختیارشان قرار داده اند؟

محبوب: خبازان تهران انجمن صنفی ندارند، کانون سراسری دارند که آن هم دبیرش مهندس نصیری است. چه کسی کله اش را بیرون کرد که ای ایها الناس بیایید ببینید مسجد خدا را چه کار کرده اند؟

خبرنگار: نگهبان ساختمان می گوید در را قفل کرده ام مهاجمان در را شکستند و به داخل یورش آوردند.

محبوب: چه کسی در را شکسته جلوی در نیروی انتظامی؟ تازه شما صاحب مال خودتان حق دارید در را بشکنید و وارد ساختمانتان شوید تازه دوستان شورایی می گویند در باز بوده. خبرنگار: نگهبان آنجا می گوید من در را قفل کردم تا شعار بدهند و بروند اما در را شکستند و وارد ساختمان شدند.

محبوب: اگر کسی اصلش را با راستی گذاشت که به این شیوه ها متوسل نمی شود، می رود در انتخابات شرکت می کند یا برنده می شود یا بازنده. من توسط این آقایان مورد تهمت واقع شدم. چرا؟ چون نامه ای که براساس تقویت انجمن های صنفی با سازمان بین المللی کار ilo امضا کرده بودیم را منتشر کردند و گفته اند محبوب ما را قبول دارد. دروغ گفتن کاری دارد؟ این موضوع را در بین شوراهای اسلامی کار پخش کرده اند.

یک مثال دیگر می زنم: اینها یک تبریک برای حراست وزارت کار فرستاده اند. حراست هم گفت متشکرم تبریک شما رسید اینها همه جا پر کرده اند حراست هم ما را قبول دارد.

حالا شما از این آدمها انتظار دارید حرف راست بزنند که در باز بود یا بسته، فیلم دارند خب معلوم است در بسته یا باز است. تاکید می کنم ساختمان نگهبان نداشته است.

خبرنگار: نامش آقای بیگلری است.

محبوب: آن ساختمان نگهبان ندارد.

خبرنگار: این که می گوید خودزنی کرده چگونه است که می گوید وسط زبانش تیغ کشیدند؟

محبوب: با سر می آید در شیشه پشت سرش که داد و فریاد می کرده زبانش کشیده می شود به آن شیشه که خودش شکسته بود.

خبرنگار: یعنی موقع فریاد زدن زبانش گرفته به شیشه؟

محبوب: کسی نه زبان وی را بریده و نه گردنش را و نه کسی به دستش زده.

ما مدعی هستیم که ایشان خودزنی کرده و کسانی که برای او تبلیغ می کنند بدانند که از آنها شکایت می کنیم.

خبرنگار: آقای صادقی آنجا چه کار می کرد؟

محبوب: آقای صادقی صاحب شورا است یعنی چی چه کار می کرد؟

خبرنگار: می گویند ایشان در تخریب نقش داشته است اینکه می فرمایند ایشان تخریب نکرده اسانلو با کله اش چگونه شیشه را شکسته است؟

خبرنگار: وی گفته آقای چگینی از پشت سر روی پله او را که در حال فرار بوده هل داده و باعث شده با سر به شیشه پنجره برخورد کند.

محبوب: چگینی نزدیک به 80 سالش است اگر می گفت عیوضی هلم داد من باور می کردم.

خبرنگار: وی گفته عیوضی گلویش را گرفته و فشار می داده.

محبوب: اگر می گفت صادقی باز توان جسمی اش قویست.

خبرنگار: می گوید آقای صادقی با کلت زده به دهنش.

محبوب (با خنده و تعجب): با کلت؟

محبوب: چگینی با کلت؟

خبرنگار: آقای محبوب، حسن صادقی نه چگینی؟

محبوب (باخنده): صادقی کلتش کجا بوده؟

ایشان نشسته و قصه پرداخته، اینقدر شلوغ می کند که اگر دادگاه علیه او حکم داد مظلوم نمایی کند.

من می گویم که ایشان وسط سالن ما روز 11 اردیبهشت ماه (این همان روزی است که خانه کارگر آن را می خواست تبدیل به متینگ انتخاباتی هاشمی رفسنجانی کند و با اعتراض کارگران روبرو شد) چه کار می کرد؟ سالن به هم ریخت ایشان عامل به هم ریختن آن سالن است.

خبرنگار: آقای محبوب چگونه امکان دارد 200 نفر بتوانند 14 هزار نفر را به هم بریزند؟

محبوب: شعار جاوید شاه چگونه از دهان او درآمد؟ عکس با کروات را برایتان بفرستیم؟

خبرنگار: خب بفرستید.

محبوب: می گویم نیروی انتظامی که کارش این است باید اقدام کند این دیگر کار ما نیست ما چرا باید خودمان را درگیر کنیم؟

شعار تحریم انتخابات چه بوده که این ها شعار داده اند؟

خبرنگار: آنها مدعی حمایت از معین هستند.

محبوب: یک بار ایشان می شود دبیر محور شرق حزب مشارکت، یک بار می گوید جاوید شاه یک بار دیگر طرفدار تحریم انتخابات می شود و زمانی که حرف و سخن از مسایل

سوسیالیستی پیش می آید می شود طرفدار حزب حکمت، چون در سه شخصیت ایفای نقش کرده از طرفی هم جزء امضا کنندگان بیانیه ی 100 نفره است.

خبرنگار: بیانیه ی صد نفره چیست؟

محبوب: بیانیه ی صد نفره ای که علیه وزارت اطلاعات شعار دادند اسانلو جزء آن صد نفر است که همه امضا کنندگان آن معلوم هستند.

من می گویم ایشان یک روز کارگری کرده که مشمول قانون کار باشد؟ کسی که خودش را به در و دیوار بکوبد گردنش و زبانش را ببرد و بگوید چگینی مرا زد

خبرنگار: می گوید زمانی که فرار می کرده از پشت سر حاجی چگینی وی را هل داده که با سر به شیشه خورد و با ضربه ای که خورده گیج شده و دستش به شیشه دوم خورده که

شکسته است؟

محبوب: چگینی 15 سال پیش بازنشسته شد. چگینی رفته آنجا و گفته دوباره پیدایت شد من هیچ کمونیستی را نمی گذارم بیاید. چگینی بیشتر از این ارزش بر نمی آید چه برسد به اینکه هل بدهد. چگینی پدر دو شهید است و اگر آنقدر زور دارد می گفتم او را به مسابقات کشتی ببرند.

خبرنگار: چنین حرکاتی آیا هزینه بالایی در بر نداشته است؟

محبوب: چه هزینه ای؟

خبرنگار: درگیری و تهمت و کشمکش به قول شما 80 صفحه خبرهای مختلف در سایت ها، خبرگزاری ها، روزنامه ها و علیه ...

محبوب: خیر، ما اینقدر دمکرات نیستیم، حرف ما این است که ما در این باب اعتقاد نداریم کسی حق اعتراض ندارد، اعتراض کردن حق ما یا حق هر کس دیگری است، اگر این طور است از آمران به معروف و ناهیان از منکر هم بروید شکایت کنید که خلاف قانون را تذکر داده اند. بعد اسانلو خودش را زده به دیوار باید او را بگیرند بکوبند چرا خودت را به در و دیوار زده ای؟

خبرنگار: کلی از مدارک و پولشان را مدعی هستند به سرقت برده اند چه پاسخی دارید؟

محبوب: اینها پول دارند که پولشان گم شود؟

خبرنگار: مدعی هستند پول حق عضویت سندیکایی ها بوده که به سرقت رفته است؟

محبوب: اینها 200 نفر عضو دارند که 200 هزار تومان حق عضویت داشته باشند. یعنی روزی 200 نفر به اینها مراجعه می کردند که پول نقد نگه دارند، اینها دروغ گفته اند. ما شبیه ای نداریم که بگوییم. سئوال این است که مشی ما تعطیل حزب توده است یا احیاء حزب توده؟ مشی ما احیاء نیست و اجازه هم نمی دهیم احیاء شود حالا هر اتهامی که به ما زده شود مهم نیست.

خبرنگار: آقای محبوب بالاخره اسانلو توده ای، رستاخیزی، مشارکتی، حکمتی و ... چیست؟

محبوب: این رفتار هم فقط رفتار توده ای ها است که با هر شخصیتی خودشان را همراه و همساز می کنند ما از این تریبون می گوئیم: توده ای است.

خبرنگار: آنها مدعی هستند که در اصل چون خانه کارگر یک سری مشکلات درونی دارد، برای فائق آمدن به این مشکلات آب را گل آلود کرده تا خودش را تثبیت کند.

محبوب: برای چه کسی؟

خبرنگار: برای خود و آینده اش (خانه کارگر)

محبوب: کجا خودم را تثبیت کنم؟

مگر من مشهور بودم به ضدانقلاب که خودم را انقلابی جلوه دهم؟ یا مگر ما آدم های تندی بودیم؟ اگر هم داخل ما طوری هست که این کار بدتر می کند نه تنها مشکلی حل نمی شود بلکه بدتر هم می کند. آنچه که در این داستان خیلی خیلی روشن است این است که اگر کسی کوشید پایش را از قانون بیرون بگذارد تا آنجا امنیت دارد که در حریم قانون عمل می کند. بیرون قانون ما برای هیچ کسی امنیت قائل نیستیم. این را هم بدانید که آنها ناامند مگر اینکه بیابند در قانون عمل بکنند، بارها به ایشان تذکر داد، شده دبیر شورای شرکت واحد سه بار در همین روزنامه کار و کارگر مصاحبه کرد، آقایان پایتان را بیرون از قانون نگذارید مگر در جمهوری اسلامی امنیت برای کسانی است که پا را فراتر از قانون می گذارند؟ نه خیر امنیت برای کسانی است که در حریم قانون قرار دارند، کسانی که در حریم قانون هستند نباید امنیت داشته باشند؟ چرا دستگاه ها که مسئول امنیت هستند برای این مساله تصمیم نگرفتند که صاحب حق به ناچار برای اعتراض خود اقدام کند؟

خبرنگار: بیشتر ادعای صورت گرفته بر اعتراض نیست بلکه ضرب و شتم است.

محبوب: ضرب و شتمی واقع نشده است.

خبرنگار: عجیب است.

محبوب: عجیب نیست شما بدانید که دارند زنده می شوند، دارند بیدار می شوند، کسانی می فهمند که در اقتدار نظامان اختلالی به وجود آمد، می خواهند از مسایل داخلی ما سو استفاده کنند. تا به امروز برای مقاصد سیاسی به هیچ کس اجازه ندادیم از ابزار اعتصاب و... استفاده کنند.

همه سرکردگان این جریان آدمهای سیاسی هستند. آدم صنفی داخل آن نیست، آن هم نه جریان سیاسی داخلی نظام، در واقع با مقاصد سیاسی براندازان خارجی هماهنگ شده اند اهدافشان را بر این اساس برنامه ریزی کردند.

خبرنگار: در آخر شما به عنوان دبیر کل خانه کارگر نتیجه را چگونه تحلیل و ارزیابی می کنید؟

محبوب: با کسی که خود زنی کرده باید برخورد کرد. کسی می خواهد اعتراض عده ای را خشونت جلوه دهد باید با او برخورد کرد.

خبرنگار: چه تضمینی وجود دارد که دفعه دیگر در تشکل دیگر چنین اتفاقی پیش نیاید و باز خودزنی مطرح شود؟

محبوب: شما بگویید اینها تشکل هستند تا من حرف شما را قبول کنم؟

خبرنگار: تشکل، خیر. 4 نفر انسان چه تضمینی وجود دارد؟

محبوب: 4 نفر آدم با عنوان غیر قانونی قطعا هر کجا که باشند ما برخورد می کنیم، از این به بعد برخورد می کنیم بنویسید از این به بعد خود خانه کارگر رسماً برخورد می کند.

من اگر چیزهایی که الان می دانم آن وقت می دانستم، خودم شخصا می رفتم آنجا بعد هم بلافاصله مصاحبه ای مطبوعاتی می کردم، خود این مسایل را کشف می کردم و به همه نشان می دادم یعنی اگر می دانستم خود شخصا می رفتم مگر من ابایی دارم با یک جریان خلاف قانون برخورد کنم؟ من با قاطعیت می گویم ما نباید به کسی پاسخ دهیم دیگران باید به ما پاسخ دهند.

خبرنگار: نظر شما راجع به ادعای سندیکالیست ها در رابطه با اینکه خانه کارگر می خواهد جریان کارگری ما را زیر سلطه خودش بگیرد، چیست؟

محبوب: ما چه منفعتی در این قضیه داریم؟ کارگر یا مستقیم یا غیر مستقیم عضو ماست با فعالیت خانه کارگر در آنجا شرکت واحد شورا تشکیل شده و خانه کارگر حق دارد به زور و تلاش بسیار آن را حفظ کند. آقایان با کدام منطقی رفتند دم در وزارت کار؟

به جای شرکت در مراسم کارگری 11 اردیبهشت که موضوعش هم مزد کارگران قراردادی بوده آنجا رفتند که بگویند سندیکای غیرقانونی می خواهیم.

خبرنگار: بحث بیشتر روی حسن صادقی و اکبر عیوضی است.

محبوب: اسانلو مهلت نداده که حسن صادقی بتواند قدرت نمایی کند، سرش را می زند به دیوار کله اش را زده به شیشه شکسته و بیرون کرده بعد گردنش بریده یا احتمالاً زبانش هم بریده شد. داد و بیداد راه انداخته که مسجد خدا را فلان کردند، قرآن خدا را فلان کردند، عکس های امام را پاره کردند، نوار دارد، ضبط دارد، فیلم دارد.

ما با فرد یا جریان خلاف قانون خشونت نمی کنیم، به خشونت هم معتقد نیستیم اجازه ندادند این اتفاق بیفتد اجازه خشونت ندارند که من اکنون بخواهم خشونت را محکوم و یا تایید کنم.

خبرنگار: آنها مدعی هستند نام سندیکا 100 سال ریشه دارد برای همین تاکید می کنند؟

محبوب: این کلمه را ما فارسی کردیم، اگر می خواهند در ایران زندگی کنند باید از این کلمه استفاده نکنند، ما هم نمی گذاریم از کلماتی دیگر استفاده شود، این کلمه پشتوانه قانون اساسی دارد. در مجلس خبرگان بحث شده که کلمه سندیکا به فارسی معادل تغییر کند.